

## روایت راهاندازی کارگاه خیاطی توسط مددجوی بانوی سرپرست خانوار

بانوی سرپرست خانوار با راهاندازی کارگاه خیاطی به استقلال مالی رسید و برای دیگر زنان سرپرست خانوار نیز شغل ایجاد کرد.

به گزارش خبرنگاران گروه صنعت و تجارت گزارش خبر، ملیحه شریعت، می‌توانست این موفقیت‌ها را کسب نکرده باشد؛ زمانی که درست اول راهش و تازه کارگاه خیاطی را راه انداخته بود متحمل ضرر شد. او اما به دید دیگری به مشکلاتش نگاه می‌کند و پیش می‌رود. ملیحه سرپرست خانواده است و پرانرژی هم مدیر کارگاه خیاطی‌اش است و هم این که از دخترش مراقبت می‌کند. او اما معتقد است که با کمک کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌تواند از پس مشکلات بربیاید.

این هم برایش کم است، با این که کارگاه خیاطی بزرگی دارد و افرادی برایش کار می‌کنند، او اما تلاش می‌کند که بیش از پیشرفت کند و تاکید می‌کند که تا به اینجا هم رسیده است، با کمک و یاری کمک امداد بوده است.

این بانوی سرپرست خانوار روزگار پر فراز و نشیبی را گذرانده است، سن و سالی نداشت که ازدواج کرد؛ ازدواجش اما خیلی زود پایان گرفت، زمانی که مادر یک دختر کوچک بود. او می‌گوید که باید خرج خودش و دخترش را درمی‌آورد و زمانی که تازه ۲۰ سال داشت، تصمیم گرفت، خیاطی را به آن علاقه داشت و پیش از این هم یاد گرفته بود، به عنوان شغل انتخاب کند.

چرخ خیاطی داشت و اتفاقا، با همین چرخ خیاطی هم برای مشتری‌ها؛ هایش لباسی می‌دوخت در خور و به اندازه؛ اما او دوست داشت که بهترین از این عمل کند و کارگاهی داشته باشد برای خودش. کار را که می‌دانست اما توان مالی برای گسترش و توسعه نداشت، به همین دلیل، با پیشنهاد یکی از دوستانش، به سراغ کمیته امداد رفت و درخواست وام اشتغال‌زایی داد. وام او خیلی زود، به نتیجه رسید و او در شهرش، مشهد، وام را گرفت. ملیحه، صبح روز بعد به سراغ خرید به سراغ خرید وسایل و مواد اولیه شروع کارش رفت. خرید میز، دستگاه‌های اتو و چرخ خیاطی، نخ و پارچه انجام شد تا بعد بتواند کارش را پرانرژی شروع کند؛ اتفاقا این کار هم کرد، افرادی را استخدام کرد و خیلی زود، کارش را شروع کرد اما زندگی روی دیگری به او نشان داد.

### شکست پشت شکست

همه چیز خیلی خوب شروع شد. ملیحه هم همه توانش را به کار بسته بود تا بتواند، چرخ کارگاه را با قدرت، بچرخاند. با این حال اما او اول راه و جوان بود و البته که تجربه کافی هم نداشت، همین شد که شروع کارش، با یک ضرر بزرگ شروع شد. او سود نکرد که هیچ، ضرر زیادی را هم متحمل شد. درست است که ملیحه کم‌تجربه و جوان بود اما شاید همین کم‌تجربگی باعث شد که با دید دیگری به مشکلاتش نگاه کند و راهش را طور دیگری، به پیش ببرد.

او می‌گوید: «خیلی زود متوجه شدم که این مشکلات، ضرر مالی، مشکل نیستند و مشکلات دیگری در انتظارم است. به خاطر همین هم دیدم را نسبت به مشکلات تغییر دادم.» او توانش را به کار گرفت و برای شروع کارش، از مشکلات استفاده بهینه هم کرد. دوباره تلاش کرد و کمیته امداد هم در کنارش بود؛ اگر نیاز به آموزش و یادگیری بود، آموزش دید و مدیریت کارگاه خیاطی‌اش را به شکل دیگری، انجام داد. مشکلات و ضررها پیش می‌آمد، یکی یکی، برای او مزاحمت ایجاد می‌کردند و پیشرفت کارش را به تعویق می‌انداختند؛ با این حال اما ملیحه، با تمام توان، مشکلات را پشت سر گذاشت تا به امروز که پرتوان، ۱۶ سال از روزهایی که کارگاهش را راه انداخته است، می‌گذرد. او حالا در کارگاه خیاطی‌اش لباس‌های ورزشی می‌دوزد و بانوان سرپرست خانوار برایش کار می‌کنند. او می‌گوید که لباس‌های ورزشی‌اش را خودش طراحی می‌کند، برش می‌زند و می‌دوزد. با این حال

### آموزش و استقلال

ملیحه خود بانوی سرپرست خانواده است و از دختر نوجوانش، مراقبت می‌کند. او دوست دارد که قهرمان زندگی دخترش باشد؛ شاید به همین دلیل است که بعد از هر بار زمین خوردن، دوباره توانسته است، بلند شود تا از نو، شروع کند. او اهداف بالایی دارد، این کارگاهش را بزرگ‌تر و حتی طراحی‌های بهتر و جذاب‌تری داشته باشد؛ او می‌گوید که هر روز، به عشق توسعه و پیشرفت، به سرکار می‌رود و طراحی‌ها و دوخت‌هایی می‌زند ناب و جذاب.

ملیحه حواسش به بانوانی که شبیه به خودش، سرپرست خانواده هستند، است. او به بانوان سرپرست خانواده آموزش می‌دهد و حالا بسیاری از شاگردانش، شاگردان دیروزش، برای خود کسب‌وکار راه انداختند. او می‌گوید: «خوشحالم، از این که بسیاری از شاگردانم، حالا کار و بارشان از من هم بیشتر گرفته است.»